

سازش، سیاست و خیانت



محسن صالحی‌خواه
گزارشگر هم‌میهن

۲۸ بهمن‌ماه ۱۳۵۹ روزنامه جمهوری اسلامی از قول شهید آیت‌الله دکتر بهشتی می‌نویسد: «ای مردم! اگر امروز از شما بپرسند که آیا می‌خواهید در برابر مشکلات مقاومت کنید و با توکل بر خدا تا آخرین نفس با دشمنان بجنگید و با حکومتی ملی‌گرا و میانه‌رو و طرفدار آمریکا در ایران سر کار بیاید، نظر شما چیست؟ آیت‌الله بهشتی پس از اینکه مردم با شعار «مرگ بر آمریکا» واکنش نشان دادند، اظهار داشت: آقای ریگان! بشنو، این فریاد خشمگینانه ملت ما را ببین. آیامی شنوی این ملت هنوز با همان شکوه و با همان خروش که در ماه‌های دوم سال ۵۷ شعار مرگ بر آمریکا سر می‌داد، امروز هم با همان خروش و با همان قهرمانی فریاد دارد که مرگ بر آمریکا و مرگ بر سازشکار؟»

آیا امروز و در سال ۱۴۰۳، همچنان می‌توانیم از همین دریچه به بحران‌هایمان نگاه کنیم؟ آیا اگر شهید بهشتی اکنون زنده بود و توسط تندروها از زمره انقلابیون خارج نشده بود، همان حرف سال ۱۳۵۹ را تکرار می‌کرد؟

شرایط امروز ایران چه از لحاظ تفکر غالب در میان مردم، وضعیت اقتصادی، رژیم تحریم‌های اعمالی، وضعیت بین‌المللی و سیاست داخلی بسیار متفاوت از دهه‌های ۵۰ و ۶۰ است. ابتدای انقلاب و تا پایان جنگ ایدئولوژی غالبی وجود داشت که به‌طور طبیعی، با تغییر نسل و شرایط، دایره معتقدان آن به مرور و با گذر زمان کوچک‌تر شد، برخی از این ایده‌ها به‌طور کامل دست‌شستند و جریان‌هایی تلاش کردند فراتر جدیدی ارائه دهند. اما هر چه بود این دایره کوچک‌تر شد و ناخودآگاه با گذر چند دهه، افرادی از آن بیرون رانده شدند و افرادی نیز به خواست خود محدود شده‌اند. شماری از این ایده‌ها را ترک کردند. این تغییر به اندازه‌ای بود که سابقون مبارزات انقلابی نیز با چسب‌هایی از جمله «سازشکار»، غیرخودی تلقی شدند.

اگر بخواهیم نگاهی طیفی به این دسته‌بندی که همچنان درون ساختار حاکم تعریف می‌شوند، داشته باشیم؛ یک سر طیف آرمان‌گرایان متصلب قرار گرفتند و یک سر طیف، آن‌هایی که معتقد به لزوم بازنگری در شیوه‌ها و رویکردها بودند. طیف اول آن‌ها گرا هر زمان که توانست قدرت را به دست بگیرد، نهایت تلاش خود را برای پیاده‌سازی نگاه ایدئولوژیک محض به کار برد. شاخص‌ترین نمونه آن وضعیت کشور در سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۲ است. سال ۱۳۹۲ زمانی که به خاطر یک اشتباه محاسباتی، قدرت از دست این گروه خارج شد، هزینه‌سازی و سنگ‌اندازی در مسیر تغییر در دستور کار قرار دادند. در نهایت، روندی که از سال ۱۳۹۸ با خالص‌سازی ورودی‌های مجلس یازدهم آغاز شد، در انتخابات ریاست‌جمهوری ۱۴۰۰ اوج گرفت و در ۱۴۰۲ به‌کمال رسید تا دیگر اشتباه محاسباتی پیش نیاید؛ شواهدی هم وجود ندارد که انتخابات ۱۴۰۴ تجربه‌ای غیر از سه انتخابات پیشین باشد. با قبضه کردن قدرت توسط تندروها و رونمایی از نسل جدید آن‌ها که به‌طور مستقیم و غیرمستقیم تربیت‌یافتگان یک جریان فکری-سیاسی خاص هستند، هزینه‌سازی جای خود را به «دستاوردسازی» داد. در تریبون‌هایی که روزی در اوج مذاکرات هسته‌ای «از هیروشیما تا لوزان» و «شطرنج با گرگ‌ها» را پخش می‌کردند، حالا بر این طبل می‌کوبند که نه تنها نیازی به گفت‌وگو، حل بحران و پیرونده‌های فیمابین با دیگر کشورها - از جمله آمریکا و اروپا- نداریم، بلکه در مسیر درست قرار گرفته‌ایم و حرکتی صعودی را تجربه می‌کنیم. البته، علاوه بر این دسته‌بندی، یک قوه عاقله نیز همچنان در ساختار وجود دارد که به‌ویژه در شش ماه گذشته، جلوی تصمیم‌های مخربی مثل ورود به جنگ منطقه‌ای را گرفت.

سازش بخش مهمی از سیاست است. اگر مصالحه و سازش نبود، هنوز در دوران جنگ جهانی اول بودیم؛ چون هیچ‌وقت کنفرانس صلح پاریس تشکیل نمی‌شد تا به این جنگ پایان دهد. یا شاید هنوز اروپا داشت به جنگ‌های مذهبی ۳۰ساله خود (۱۶۱۸-۱۶۴۸) ادامه می‌داد و اکنون شاهد جنگی چهارصد ساله بودیم. چراکه هیچ‌وقت پیمان وستفالی بسته نمی‌شد که بخواهد به این جنگ‌ها پایان بدهد. حتی اگر اصلی به اسم سازش وجود نداشت، درگیری اخیر ایران و اسرائیل بالا می‌گرفت. به تمام این مثال‌ها،

افزافه کنید صدها جنگی که در تاریخ بر آن‌ها نقطه پایان گذاشته شد و آرامش را برای مدتی حکمفرما کرد. سیاست عرصه امتیاز دادن، گرفتن، عقب‌نشینی و تهاجم است؛ هر کدام در زمان مناسب خود. تخصص و بحران در روابط را باید در نقطه‌ای، رها کرد. زمانی قرار بود جنگ ایران و عراق تا فتح بغداد ادامه پیدا کند اما زمانی که پای تحلیل روی زمین گرفت، نتیجه این شد که باید به این جنگ فرسایشی خاتمه داد. مرحوم هاشمی‌رفسنجانی تا سال‌ها آماج حملات تندروها و متهم به نوساندن زهر به امام خمینی بود تا اینکه رهبری در سال ۱۳۹۹ پذیرش قطعنامه در آن مقطع را «عقلانه و مدبرانه» خواندند و پایان دادن به جنگ هشت‌ساله، از لیست اتهامات تندروها علیه مرحوم هاشمی خارج شد.

بهمن ۱۳۹۸، در تجمع محدودی که مقابل ساختمان اصلی وزارت خارجه برگزار شد، «مرگ بر سازشکار منافق» یکی از شعارهایی بود که خطاب به جواد ظریف داده شد. جریان‌های تندرو و دلواپس اما نه آن روز و نه امروز نگفته‌اند گزینه تبدیل آنان برای سازش و مذاکره چیست؟ آنها پاسخ نمی‌دهند که اگر تصمیم نظام برای مذاکرات و پیشبرد آن توسط روحانی و ظریف نادرست بود، خود چه پیشنهادی برای حل بحران و رفع تحریم‌ها دارند؟ شاید تصور شود راه‌حل شان، استفاده از شرایط بازار انرژی و شل گرفتن تحریم‌های نفتی از سوی دولت آمریکا و فروش ۹۰ درصدی نفت به چین است. این راه هر چه باشد، راه حل نیست. آیا فردا که ترامپ رئیس‌جمهور شد، این راه حل همچنان کارساز است؟ بعید می‌دانم چنین که الان نفت ایران قیمت تخفیف‌خورده ایران را خریداری می‌کند، اگر زمانش برسد ایران را برای منافع ملی و تجاری خود با آمریکا - که به قول روزنامه همشهری ۱۵۰۰ میلیارد دلار است - معامله نکند. بنابراین، راه‌حل علاج درد است، نه تزریق مسکن.

سیمون کابولا می، استاد فلسفه، درباره نگاه عملگرایانه به سازش در مقاله‌ای نوشته است: «سازش وضعیت موجود را بهبود می‌بخشد یا حداقل آن را بدتر نمی‌کند.» سازش به معنای دوستی و برادری نیست. قرار نیست فردا رئیس‌جمهور ایران و آمریکا دست در گردن هم بیاندازند. اما کشورها نباید اجازه بدهند که بحران روی بحران انباشته شود و کلاف سردرگم شود تا در نهایت باز کردن آن از دست هیچ‌کس ساخته نباشد. سال ۱۳۹۹ با استادی ایرانی-آمریکایی گفت‌وگو می‌کردم. نکته‌ای از میان تمام حرف‌هایش بیشتر در ذهنم مانده است. او گفت طی سال‌های پس از انقلاب اقتدر پیوندهای میان ایران و آمریکا در هم تنیده شده که دیگر به سختی بشود آن‌ها را حل کرد. اگر در دهه ۷۰ مثلاً ۱۰ پرونده میان دو طرف باز بود، حالا به ۱۰۰۰ پرونده رسیده که همه به‌یکدیگر مربوط هستند و حل کردن شان آسان نیست. تندروها طی سال‌های گذشته اقتدر مسائل مختلف را بزرگ کردند که در عمل، برخی پروژه‌ها با اصل ساختاریکی شدند. در چنین نگاهی، پذیرش شرایط جدید به رسمیت شناخته نمی‌شود و آن کسی که تلاشی برای شکستن این فضا بکند، به سازشکاری و خیانت متهم می‌شود. اما سازش، خیانت نیست؛ عین سیاست است. گاهی برای حفظ یک ساختار باید تصمیم‌هایی سخت گرفت. یک ساخت سیاسی باید مردم خود را در نظر بگیرد؛ نه فقط هواداران یا کارکنان. وقتی هر مسئله به‌عنوان یک خاکریز محسوب و ادبیاتی احساسی حول محور آن تولید شود، تصمیم‌گیری و عقب‌نشینی را سخت و حالت‌تهاجمی رادیکته می‌کند.

برخی ممکن است تصور کنند که صحبت از اصل سازش به معنی وادادگی و کنسار گذاشتن توانمندی‌هاست. در حالی که مسئله بر سر ضرورت محاسبه هزینه‌فایده درباره مسائل، پذیرش شرایط جدید و شجاعت تصمیم‌گیری‌های جدید است. ما در حکمرانی داخلی و سیاست خارجی به یک توازن نیاز داریم. مهم است که سرزمینی به نام ایران و مردم آن را در اولویت اول و غیرقابل تغییر قرار دهیم، سپس به سیاست‌گذاری بپردازیم. در عین حال، سازش فقط مربوط به کشورهای دیگر و عرصه سیاست خارجی نیست. گاهی نیاز است با مردم خود و درون مرزهایمان، دست به سازش بزنیم. مسائل جاری در کشور، خاکریز و سنگر نیستند و جامعه نیز میدان جنگ نیست. هر چند که در جنگ هم عقب‌نشینی وجود دارد.

*نقل قول برگرفته از مقاله Friderike Spang پژوهشگر ارشد دانشگاه لوزان در فصلنامه Political Studies انگلستان.

تیتریک

HEADLINE ONE

۲

گزارش یک



وام بدهید، بچه بیاورند

بررسی اظهارات رئیس‌جمهور در مراسم اعطای جایزه ملی جوانی جمعیت

اگرچه تردیدی در وضعیت بحرانی کشور به لحاظ آمار جمعیتی و ضرورت فرزندآوری زوج‌ها وجود ندارد اما سخنان رئیس‌ی این سوال را ایجاد می‌کند که چه اتفاقی رخ داده که مردم طی دو دهه اخیر از همان شعار «فرزند کمتر» که به‌زعم او ترغیب دشمن است، استقبال کرده‌اند؟ آیا فرزندآوری زیاد در شرایط اقتصادی نامطلوب می‌تواند نیروی انسانی با کیفیت در اختیار کشور قرار دهد؟ یا توجه به آمار بالای مهاجرت از کشور آیا شرایط کشور در ابعاد مختلف اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی به‌گونه‌ای هست که نیروی جوان و تازه‌نفس آینده را در داخل مرزهای جغرافیایی کشور نگه دارد یا اینکه قرار است فرزندان آینده نیز به خیل مهاجران بیبوندند. البته تنها اظهارات رئیس‌جمهور سوال‌برانگیز نیست، چند روز پیش هم فاطمه محمدیگی، رئیس فراکسیون جمعیت مجلس شورای اسلامی پیشنهاد داده بود که با توجه به اینکه پنجره جمعیتی در کشور در حال بسته شدن است «اگر در این پنج سال هر خانواده حداقل بین سه تا پنج فرزند به دنیا بیاورد، ما حداقل سیاه‌چاله جمعیتی فرو خواهیم رفت که تبعات زیاد اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی دارد»؛ اظهار نظری که به نظر می‌رسد با مؤلفه‌های علمی و شرایط امروز جامعه ایرانی همخوانی ندارد.

کاهش ۱۷ هزار مولید در سال ۱۴۰۲

علی یرنهان، جمعیت‌شناس و استاد دانشگاه اظهارات خود را با این سوال از رئیس‌جمهور آغاز می‌کند که چرا میزان مولید در سال ۱۴۰۲ نسبت به ۱۷۰۱۴ هزار مورد و میزان ازدواج در همین مدت ۵۰ هزار مورد کاهش یافته است. او به هم‌میهن می‌گوید: «تا امروز نگاه رؤسای‌جمهور کشور به جمعیت، نگاهی کمی بوده است. آنها فقط می‌گویند به جمعیت اضافه کنید اما به کیفیت جمعیت توجه نمی‌کنند. چرا تا امروز سیاست‌های جمعیتی عملکرد موفقی نداشته‌اند و حتی برعکس عمل کرده‌اند و سیاست‌های جمعیتی عقیم شده‌اند. با یک نگاه اجمالی متوجه می‌شوید که به لحاظ آمار ازدواج، طلاق و مولید در وضعیت مطلوبی به سر نمی‌بریم. برخی رسانه‌ها اعلام کرده‌اند که میزان طلاق کاهش یافته است. در حالی که علت این موضوع کاهش آمار ازدواج است. به نظر تنها تعداد کمی از افراد جامعه به جوانی جمعیت توجه دارند که باید ریشه‌یابی کرد.»

او این راه اضافه می‌کند که براساس یافته‌های من و همکارانم مردم به فرزندآوری علاقه دارند اما سوال‌شان این است که با کدام رفاه اقتصادی؛ «آیا با گاوشت کیلویی ۷۰۰ هزار تومان و پوشاک و شیر خشک گران قیمت توان فرزندآوری دارند؟» یرنهان تأکید می‌کند که به‌عنوان یک جمعیت‌شناس ۱۰۰ درصد موافق فرزندآوری است. او این راه می‌گوید که رشد جمعیت به لحاظ اقتصادی، نظامی و... مولد است: «هر قدر جوان بیشتر باشد، تفکر و خلاقیت و علم هم در کشور بیشتر خواهد بود. بنابراین نیروی جوان بسیار خوب است اما جوانان باید همدغد بوده و شغل داشته باشند. نمی‌توان به جوانان آموزش داد که زندگی سالمی داشته و حتی ریاضت بکشند اما آنها در عمل مشاهده‌کننده جمعیت‌داده شد.



شادی مکی

گزارشگر هم‌میهن

«به هر کس می‌گویم برو ازدواج کن می‌گوید وضعیت اقتصادی چه می‌شود؟ اما معجزه قرآن است که هر کس ازدواج می‌کند وضعیت بعد از ازدواجش بدتر از قبل از ازدواج نمی‌شود.» این بخشی از اظهار نظر ابراهیم رئیس‌جمهور است که روز گذشته در دومین رویداد اهداء جایزه ملی جوانی جمعیت عنوان شد. او معتقد است که در این زمینه نیازمند باز کردن گره‌های ذهنی جامعه هستیم؛ «منظور این نیست که در زمان حاضر نیز همان دیدگاه وجود دارد قطعاً شرایط و سبک زندگی متفاوت از گذشته شده است اما در صورت توجه به فرهنگ قناعت می‌توان نعمت‌هایی که به چشم نمی‌آید را به چشم آورد.» رئیس‌ی تأکید می‌کند که «دولت باید امکانات و مشوق‌ها از جمله تأمین مسکن، پرداخت تسهیلات و وام‌های ازدواج و اشتغال را تأمین کند. قانون جوانی جمعیت باید اجرا شود و سهم هر یک از مشوق‌ها در فرزندآوری تفکیک و شناسایی شود. بین وام ازدواج و وام ماشین باید نقش تسهیلاتی که در فرزندآوری بیشتر است، مشخص شود. مردم از دولت نسبت به تعهداتش طلب دارند و کاری به این دولت و دولت‌های قبل ندارد. ۲۴۰ هزار خانواده در سراسر کشور به مسکن نیاز دارند. ۱۴۰ هزار خانه تحویل شده و ۱۰۰ هزار مسکن دیگر هم تحویل می‌شود.»

او همچنین در بخش دیگری از اظهارات خود گفته است که آمار سقط جنین متفاوت، بالا نوزادکننده است: «باید جلوی سقط جنین غیرقانونی گرفته شود مگر به تشخیص پزشکان حاقق. دختران و پسران جوان باید بدانند سقط جنین غیر مجاز از نظر شرعی، قتل نفس است. باید آثار همه از جمله مجری، مباشر و معاون سقط جنین برای جامعه روشن شود، آثار اجتماعی آن هم باید روشن شود.» رئیس دولت سیزدهم همچنین از دولت و قوه قضائیه خواسته است که اقدامات‌شان را در حوزه سقط جنین استمرار دهند تا جلوی سوداگری و پول درآوردن افراد سقط‌کننده جنین گرفته شود و موارد خلاف شرع و قانون حتماً مورد پیگیری قرار گیرد. او اضافه می‌کند: «اموقفیت مادر افزایش جمعیت و در گرو مشارکت مردم است. یک کارگر شرکنی ۱۲ فرزند دارد و در یکی از مناطق محروم زندگی می‌کند. «طلاب» هم پایین‌ترین دریافتی حقوق را دارند اما فرزندآوری می‌کنند. دشمن سال‌هاست این ادراک را بین جمعیت‌ما جانداخته است که «فرزند کمتر، زندگی بهتر» اما حالا معلوم شده که این نگاه درست نیست و رهبری هم به موقع هشدار دادند. باید زمینه برای مشارکت عمومی در این امر فراهم شود.» در مراسم روز گذشته جایزه ملی جوانی جمعیت به خانواده‌ای با ۱۲ فرزند از شهرستان سروسن استان فارس جایزه ملی جوانی جمعیت‌داده شد.

ادامه‌ی باران و تگرگ در خراسان

این سیل نمی‌ایستد؟

خواف، تربت‌جام، بینالود و طرقبه شان‌دیز، سبزوار، جغتای، جوبن، سرخس، رشتخوار، داورزن و کلات در روزهای گذشته شاهد وقوع سیل بوده‌اند. به گفته حسین ظفیری، سخنگوی مدیریت بحران کشور تا روز گذشته ۱۴ راه فرعی روستایی مسدود بوده و کمک و نیروی امدادی از مسیرهای جایگزین به این روستاها ارسال می‌شود او همچنین تأکید کرده که شرایط برق در استان پایدار و آب‌رسانی با تاخیر در ۱۱ روستای گرفتار قطعی آب ادامه دارد. آب قطع شده بود که با تاخیر به آن‌ها برسانی می‌شود.

ما می‌دانیم، دویی نمی‌داند

سخنگوی سازمان مدیریت بحران کشور همچنین درباره مقایسه سیل مشهد و سیستان و بلوچستان با سیل دویی، گفته است که این سه سیلاب اصلاً قابل مقایسه نیستند؛ حجم بارش‌های دویی و سیستان و بلوچستان و شرایط جغرافیایی و توپوگرافی با مشهد قابل مقایسه نیست: «شهر مشهد دارای شب

قطعی آب در ۱۱ روستا

براساس اخبار منتشرشده شهرهای فیروزه، نیشابور، درگز، فریمان، مشهد،

سیل در افغانستان با ۵۰ کشته

گروه خبر: مقامات محلی افغانستان دیروز شبانه اعلام کردند ظرف ۲۴ ساعت گذشته در ولایت «غور» در غرب این کشور بر اثر سیل و طوفان دست کم ۵۰ نفر کشته و ۱۰ نفر دیگر نیز مفقود شده‌اند. به گزارش ایسنا، مقامات محلی اظهار کردند، سیل نقاط مختلف این ولایت را تحت تأثیر قرار داده و تاکنون ۲۰۰۰ خانه مسکونی و ۲۵۰۰ مغازه تخریب شده است. رگبار و سیلاب راه ولایات «هرات» و «فراه» که هم‌جوار با ولایت غور هستند را نیز مسدود کرده است.

به گزارش خبرگزاری شینخوا، افغانستان در ماه گذشته شاهد بارش شدید باران و سیل بوده که تلفات جانی و مالی بر جای گذاشته است در همین حال، طی روزهای اخیر ولایت «بغلان» این کشور نیز شاهد بارندگی شدید و جاری شدن سیلاب بوده است که خسارات زیادی نیز بر جای گذاشت. سازمان بین‌المللی «نجات کودکان» در گزارشی ضمن ابراز نگرانی از پیامدهای ویرانگر سیلاب در ولایت «بغلان» واقع در شمال افغانستان اعلام کرد حدود ۴۰ هزار کودک در این ولایت خانه‌های

گزارش دو